

## برخورد عرفانی یا دیالکتیک ماتریالیستی؟

کم نیستند نیروهای چپی که خود را "کمونیست" می نامند ولی در بیان نظرات تئوریک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری در به پیش بردن مبارزه طبقاتی انقلابی طبقه کارگر به جای تحلیل دیالکتیک ماتریالیستی با نظرات عرفانی دمسازمی شوند! اینان اگر قبول داشته باشند که "بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی به وجود نمی آید"، پس این تئوری انقلابی طبقه کارگر را که به طور فشرده در کمونیسم علمی تبلور یافته است و محصول مبارزات بیش از 200 ساله طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه داران، در تحلیل جوامع بشری کنونی با چشم انداز ماتریالیسم تاریخی، آموختن از آزمونهای علمی در عرصه های اقتصادی، سیاسی و فلسفی سیر تحولی خود را پیدا کرده و می کند. لذا بدون محکم به دست گرفتن و شناخت علمی این تئوری و تلفیق آن با شرایط مشخص توسط تشکلهای کارگری کمونیستی، رشد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر از مسیر درست پیشروی انقلابی منحرف شده و در بیراهه های غیر پرولتری، در غلتیده و به خیانت و نابود شدن در جدائی از مبارزه راستین پیروزمند خود گام می گذارند.

به این اعتبار و باتوجه به تجارب مثبت و منفی در برخورد به مبارزات تلفیق دهندگان تئوری علمی مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به شرایط مشخص جنبش کارگری ایران، نوشته " تقدیم به شاگردان انقلابی شاهرخ زمانی " به جای طرح مسایل موجود به طور دقیق و روشن و رد انحرافات جدی در جنبش کنونی طبقه کارگر ایران با دویپهلو گوئیها، موضع دقیق کمونیستی را از ابتدا مطرح نمی کنند، در هاله ای از اوهام ریشه ی انحرافات ایدئولوژیکی در این مبارزات را معین نمی سازند. بحثها در سطح مواضع سیاسی و یا تشکیلاتی این مبارزات در نشریه شماره 10 تدارک حزب انقلابی طبقه کارگر عمق نیافته و نهایتا خوانندگان این نوشته را در سرگردانی باقی می گذارند که این انحرافات زائیده چه بینشهایی هستند و راه برون رفت چه می تواند باشد.

زنده یاد شاهرخ زمانی در سرتاسر نوشته هایش در برخورد به جنبش کارگری ایران تاکید را پیوسته روی دو سمت گیری طبقاتی تشکل یابی لازم و ملزوم یک دیگر - **حزبی و اتحادیه ای** - کارگران گذاشته و روی **وحدت حزبی برپایه اصول و برنامه و استراتژی و تاکتیک واحد مبتنی بر کمونیسم علمی**، و در **وحدت تشکلهای توده ای کارگری** و امتناع از مقابل هم قرار دادن مبارزات بین تجمعهای سندیکائی، شوراهای، مجامع عمومی، تشکیل کمیته های کارخانه، با ماهیت کارگری، می گذاشت.

وی در گام اول علاوه بر ضرورت ایجاد حزب، ایجاد فدراسیون یا کنفدراسیون سندیکاهای کارگری، معلمان، بازنشسته گان، پرستاران، دانشجویان را مطرح نموده و به ویژه در ایجاد تشکل سراسری کارگری، همین امروز، از طریق ایجاد هیئتهای موسس فدراسیونها از طریق متشکل شدن تشکلهای موجود مانند کانونهای صنفی معلمان، سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای هفت تپه، سندیکای نقاشان، سندیکای خبازان و بنایان، کمیته ها و اتحادیه های کارگری و تشکلهای موجود در پتروشیمی ها و... به جمع این تشکلهای اقدام نمائیم. این می تواند شروع تشکلهای رزمنده و بزرگ طبقاتی زحمت کشان باشد تا از طریق آنها در آینده نزدیک بتوانیم از پراکندگی نجات یافته مبارزات پراکنده را به سراسری و کوبنده تبدیل نمائیم. (صفحه 297 برگزیده آثار شاهرخ زمانی)

درعین حال شاهرخ درامر وحدت یابی حزب، مبارزه علیه نظرات رویزیونیستی، اکونومیسم، رفرمیسم، اپورتونیسم، انحلال طلبی، فرقه گرایی و غیره یعنی روی وحدت اصولی انگشت گذاشت.

بدین ترتیب شاهرخ اشکالات و انحرافات افراد و تشکلهای چپ را مشخص ساخته و کلیه تشکلهائی را که به این انحرافات آلوده باشند، متعلق به اردوگاههای غیرپرولتری دانسته و بدین ترتیب تکلیف کمونیستها در پیداکردن تشکلهای کمونیستی و سازماندهی تشکلهای توده ای کارگری را تاحدودی مشخص نموده است.

رفقای تهیه کننده مقاله در شماره 10 در خطاب به مدافعان شاهرخ زمانی می نویسند: " وقتی می گوئیم شاهرخ معلم ما است، یعنی باید به کارهائی که او انجام می داد بیشتر عمل کنیم و کارهای معلم خود را الگو و متد حرکتهای خود قرار بدهیم". (صفحه 30 نشریه 10).

حال ببینیم این رفقا چگونه عمل می کنند. درنکته 5 صفحه 31 می نویسند: " از کجا با مشکلات و انحرافات را شروع کنیم؟ شاهرخ همیشه می گفت: " همه گرایشات باید با حفظ استقلال خود درهمبستگی طبقاتی شرکت کنند و استقلال بقیه را برسمیت بشناسند".

عام گوئی کردن درحد همه گرایشات حفظ استقلال خود درهمبستگی طبقاتی شرکت کنند ادعائی فراطبقاتی است و غیر کمونیستی و غیر کارگری، مگر اینکه ماخذ این نقل قول تمام و کمال آورده شود و نظر معلم تان را نقل کنید!! کما این که گرایشات "کارگر کارگری" گرایشی هستند و خود را کمونیست هم می نامند و خود را همبسته به طبقه کارگرنشان می دهند ولی درعمل با بورژوازی سازش می کنند. پس چنین ادعائی از نظرات شاهرخ بودن، نشانه بی توجهی نسبت به نظر او بوده و دقیقا هم گفته نشده که چنین ادعائی را شاهرخ در کجا کرده و آیا نقل قول کاملی از گفته و نوشته های اوست یا برداشت شما که التقاط آفرین است؟

در همانجا اضافه می کنند: " او اعتقاد داشت در درون تشکلهای توده ای کارگران هیچ گرایشی باهیچ بهانه ای حق ندارد گرایش دیگری را حذف کند. بنابراین در درون تشکل کارگری همه گرایشات از جمله رفرمیستها، رادیکالها، انواع چپها، آنارشیسستها، حتی مذهبیها و... حق حضور و حق برابر دارند". این مغایر با نقل قولی است که در بالا از شاهرخ آوردیم.

عجبا! بعد از این نقل قول از شاهرخ به درستی می نویسند: "اما متاسفانه اکنون برخی از فعالین کارگری و وابستگان به دوطیف (طیف دوم می خواهد همه را به رنگ خود درآورده و بدون هویت طبقاتی...دریک جمع بی نام و هویت پیش برود...که نیروهای شرمنده توده ای و اکثریتی هستند که با سبزه ها و... هم پیمان می باشند. طیف سوم رهبری فردی و چهره شده به جای رهبری سازمانی گذاشته را مجبور به پذیرش کند...هر دو ضدهمبستگی طبقاتی عمل می کنند) می باشند" و دقت داشتن توسط فعالین جنبش انقلابی و کمونیستی نسبت به این دوطیف داده می شود. (همانجا - ص 31)

این نظرات مطرح شده در بین دو هلال ضد نقیض گوئی یکی به نعل یکی به میخ زدن با سطرهای بالائی نقل قول آورده شده از شاهرخ قرار داشته و خوانندگان را به کج فهمی می کشاند. اگر چند سطر

قبل از آن به شاهرخ نسبت داده شده نشان می دهد شاهرخ هم دچار اغتشاش فکری بوده است. من با آوردن نظر شاهرخ دربالا، عکس این ادعا را نشان دادم. درعین حال گرایشات کارگری درخط انحرافی در تمامی جهان نیز وجود داشته یا مستقیماً با سرهم بندی کردن اتحادیه های زرد کارگری، آشکارا درخدمت نظام سرمایه داری هستند و یا به صورت کمی پوشیده با افتادن به دنباله روی از احزاب سوسیال دموکرات به رفرمیسم و حمایت از کشورهای امپریالیستی کشانده شده اند. همان طور که درایران شاهد آشکار دوطیف زرد در جنبش کارگری از اینگونه در ایران نظیر خانه کارگرو شوراهای اسلامی هستیم. دراین صورت یا باید نظرات شاهرخ را تمام و کمال ذکر کنید تا شکی ایجاد نشود و یا نظرات خودتان را به نام شاهرخ اشاعه ندهید و کلاً این ادعا نشانی است از یک اشکال عدم دقت در تشخیص لبه تیز سازمانیابی مبارزه طبقاتی درمسیر درست انقلابی!!؟ لذا بدون تردید باید گرایشات غیرپرولتری را در درون جنبش طبقه کارگر افشا نموده و مانع از به کج راه کشیدن این جنبش با کلی گوئی شد.

دراین مقاله می خوانیم: " ما امروز فدراسیون کارگری می گوئیم، اما هیچ شکلی از تشکل کارگری را رد نمی کنیم و هیچ کدام را درمقابل دیگری قرار نمی دهیم و ... اما هم اکنون اعلام می داریم درآن زمان نیز(منظور تشکیل شوراها است- ن) از تمامی اشکال تشکل یابی دفاع می کنیم ". (صفحه 30)

النقاط ادامه می یابد. شکلهای تشکل یابی کارگری مختلف مورد قبول کمونیستها مشخص اند و شاهرخ هم ذکر کرده است درایجاد فدراسیون کارگری که دربالا آمد. اما نویسندگان علاقه به ذکر آن شکلهای ندارند و به عام گوئی پرداخته و شاهرخ را به تمامی اشکال شکل سازمانیابی کارگران اشاره کرده محتوای این سازمانها را که باید مورد نقد قرار گیرد نکرده و به تطهیر تمامی اشکال سازمانیابی می پردازند. کمونیستها از تمامی اشکال تشکل یابی کارگران دفاع نمی کنند چنان چه این تشکلهای به دفاع از منافع کارگران درکلیه عرصه ها چه مطالباتی و چه سیاسی پردازند. بحث هم برسر شکل سازمانیابی کارگران نباید جای محتوای مبارزاتی سازمان کارگری را بگیرد!!؟

آن جا هم که رفقای نویسنده مقاله درمورد نظریه بررسی انحرافات سیاسی موجود می پردازند، می نویسند: " مبارزه انحرافی و دعوای نیابتی را که از طرف دو انحراف از کمونیسم به شکل کمونیسم شرقی(دربری گویشها چپ سنتی) و اورو کمونیسم(دربری گویشهای چپ مدرن) درمقابل هم پیش می برند، با دامن زدن به دو دستگی در جنبش کارگری هر روز ضربات بیشتری به جنبش کمونیستی و جنبش کارگری می زنند... " (همانجا)

این رفقا با گرفتن برجسبهای عاریتی از شبه تروتسکیستها مقولات "چپ سنتی"، "کمونیسم شرقی" . "ئورو کمونیسم" را وارد به جدال با انحرافات می کنند. اولاً کلمه چپ معنائی ما فوق طبقاتی دارد که به بخشی از هر تشکل سرمایه داری، یا خرده بورژوائی نیز اطلاق شده و در جنبش کمونیستی مثلاً با نام گذاریهای دیگر دگماتیسم، رویونیسم راست و چپ، اپورتونیسم راست و چپ، آنارشیزم و لیبرالیسم، سکتاریسم و غیره ماهیت چپ را روشن می کنند که درخارج از جنبش کمونیستی قرار دارند و نه در درون جنبش کمونیستی. ثانیاً چپ سنتی ربطی به کمونیسم ندارد، چون که کمونیسم سنت گرا نیست

زیرا اعتقاد به حرکت دیالکتیکی تضادهای طبقاتی و دیگر مسایل اجتماعی داشته و لذا تحلیل مشخص از شرایط مشخص را دائما مد نظر باید داشته باشد تا نماینده واقعی کمونیسم علمی باشند. پس چپ سنتی جائی در کمونیستها ندارد. **سوما** کمونیسم شرقی و یا غربی ندارد. کمونیسم شرقی نیز یک کلمه ابداعی بی معنایی است که در درجه اول بجای معین کردن انحرافات تشکلهای چپ، کمونیستهای شرق به میان آورده می شود!! بدین ترتیب انحرافی بودن کمونیسم شرقی را جا می اندازند که نتیجه اش بدبین کردن توده ها به کمونیسم در شرق است و پیامی در عمل دارند که به تبلیغ نه شرقی و نه غربی کمونیست بودن می انجامد! کمونیسم علم شرایط رهائی پرولتاریا است. اگر در شرق اتفاقی انحرافی حتا در درون کمونیستهای کشورهای شرق افتاده باشد مظهر کمونیسم شرق نمی خورد و خود منحرفین آشکار می شود که ربطی هم به کمونیسم ندارد. باید بنا به ضرب المثل اصفهانیها "بچه را به اسم خانواده اش صدا می زنند" و یا "گنه کرد در بلخ آهنگری - به شوشتر زدند گردن مسگری". چنین برخوردی نوع رفتاری دادگاههای طبقات استثمارگر حاکم است! پس این نوع نام گذاشتنها ارزیابی نادرستی است.

بدین ترتیب با این نام گذاری و نقد کمونیسم شرقی، کمونیسم در شرق در انظار عمومی منحرف اعلام می شود هر چند که به نعل و به میخ زدن رفقای نویسنده قول می دهند " کمونیسم شرقی و اورو کمونیسم نیاز به بحث بیشتری دارد!". چرا مقولات اختراعی انحرافی را اول وارد می کنید تا بعدا اثبات کنید. در حالی که انحرافات اورو کمونیسم هم از گرایش راست و چپ سوسیال دموکراسی بیشتر نیست، کمونیست هم نیست و این اسم گذاری هم بتام کمونیستهای غربی بی مورد است و مستقیما ماهیت غیر کمونیستی دارد. در شرق هم همانند غرب گرایش چپ و یا راست غیر کمونیستی متشکل یا منفرد زیاد هست. ولی چراغ سبز به رد "کمونیسم شرقی" دادن، به درد استفاده حاکمان سرمایه داری و جهان امپریالیستی از این گونه کلمات می خورد و نه در آموختن از دستاوردهای کمونیستهای شرق از جمله توسط جنبش آگاه کارگری در ایران!!؟

بدین ترتیب بحثی التقاطی و مشخص نکردن دقیق انحرافات در جنبش کارگری با نشان دادن انحرافات نظرات سازشکارانه غیر کمونیستی رسوخ یافته در جنبش کارگری به نام کمونیستها، به سود نظام سرمایه داری و گرایشات خرده بورژوائی، تمام شده و بدین ترتیب رفقای نویسنده این تحلیل مبارزه ایدئولوژیک دقیق و روشنی در مقاله نشریه 10 مورد نظر صورت نگرفته و روشنگر نظرات فعالان کارگری کمونیست نیز نخواهد بود که شاهرخ زمانی در آن چارچوب نظراتش را دقیقا بیان داشته است. بدون چنین التزام دقیق به مبارزه ایدئولوژیک، بقای التقاط گری عارفانه در جنبش کارگری ادامه خواهد یافت.

ک. ابراهیم - 10 اسفند 1395